



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



پهريانو

روايتي از روزهاي بهار زندگاني حضرت زهرا (س)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهربانو: روایتی از روزهای مهم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام

نویسنده:

فاطمه صلاحی

ناشر چاپی:

معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	مهربانو : روایتی از روزهای مهم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست
۱۴	مقدمه
۱۵	لحظة آفرینش راز هستی
۱۷	مادر پنج ساله!
۱۸	آیه ای در وصف شجاعت علی (علیه السلام)
۲۰	عقدی بسته شده در آسمان
۲۳	خانه ای به بلندای آسمان
۲۵	سوال از علی (علیه السلام) در مورد همسرش!
۲۸	انگور شفابخش
۲۹	فاطمه (علیها السلام) پرستار و مادر پدر
۳۰	تبسمش؛ آرام بخش قلب علی (علیه السلام)
۳۳	خدا و ملائک به تماشای او!
۳۶	آیه ای در وصف مهمان نوازی علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام)
۳۷	بخشش خدا به بخشندگان
۳۹	احترام به زن در روزگار زن ستیزی جامعه!
۴۱	منبری کوچک برای بزرگ مرد فردا
۴۳	هدیه ای از طرف خدا!
۴۴	در زمره شیعیان
۴۶	آن روز مدافع حرم، زهرا (علیها السلام) بود
۴۸	فاطمه (علیها السلام)؛ تمام سپاه علی (علیه السلام)!

۵۱ فاطمه (عليها السلام) ؛ طلایه دار شفاعت

۵۴ کتابنامه

۵۷ مسابقه فرهنگی مهربانو

۶۱ درباره مرکز

مهربانو: روایتی از روزهای مهم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: صلاحی، فاطمه، 1359 -

عنوان و نام پدیدآور: مهربانو: روایتی از روزهای مهم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام/
نویسنده فاطمه صلاحی.

مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات، زائر رضوی، 1399.

مشخصات ظاهری: 52 ص. مصور (رنگی).؛ 14/5 × 21/5 س م.

فروست: همراه با مسابقه؛ 146.

شابک: 9-985038-600-978: 120000 ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: روایتی از روزهای مهم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام.

موضوع: فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11 ق.

موضوع: Fatimah Zahra, The Saint

رده بندی کنگره: BP27/2

رده بندی دیویی: 297/973

شماره کتابشناسی ملی: 7400545

وضعیت رکورد: فیپا

عنوان: مهربانو؛ روایتی از روزهای مهم زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام)

نویسنده: فاطمه صلاحی

ارزیاب علمی: سید محمود مرویان حسینی

ناشر: انتشارات زائر رضوی

چاپخانه: مؤسسہ فرهنگی قدس

نوبت چاپ: اول، 1399

شمارگان: 2000

شابک: 9-8-98503-600-978

قیمت: 120 000 ریال

نشانی: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، بین باب الہادی (علیہ السلام) و صحن غدیر، ادارہ تولیدات فرهنگی

صندوق پستی: 351 - 91735 تلفن: 32002567 - 051

سامانہ پیامکی دریافت پیشنهادها و انتقادها: 3000802222

حق چاپ محفوظ است.

ص: 1

اشارہ

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ أَكْرَمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ انشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»⁽¹⁾ (خدایا، مرا از تاریکی های وهم خارج کن و به نور فهم گرامی ام بدار. خدایا، درهای رحمت را به روی ما بگشا و خزانه های علومت را برایمان باز کن؛ به مهربانی ات، ای مهربان ترین مهربانان!)

ص: 2

تقدیم به:

تقدیم به ارواح قدسی ائمه معصومین (علیهم السلام) ، به ویژه مولا و مقتدای زمان، حضرت بقیه‌الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛ شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس؛ مدافعان مظلوم حرم اهل بیت و زائران آستان ملکوتی امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام)!

ص: 3

مهربانو

نویسنده: فاطمه صلاحی

روایتی از روزهای مهم زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام)

ص: 4

مقدمه.....7

لحظه آفرینش راز هستی8

مادر پنج ساله!10

آیه ای در وصف شجاعت علی (علیه السلام)11

عقدی بسته شده در آسمان13

خانه ای به بلندای آسمان16

سؤال از علی (علیه السلام) درباره همسرش! ...18

انگور شفابخش21

فاطمه (علیها السلام) پرستار و مادر پدر22

تبسمش؛ آرام بخش قلب علی (علیه السلام) ...23

خدا و ملائک به تماشای او!26

آیه ای در وصف مهمان نوازی علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام)28

بخشش خدا به بخشندگان29

احترام به زن در روزگار زن ستیزی جامعه!31

منبری کوچک برای بزرگ مرد فردا33

هدیه ای از طرف خدا!35

در زمره شیعیان36

آن روز مدافع حرم، زهرا (علیها السلام) بود38

فاطمه (علیها السلام)؛ تمام سپاه علی (علیه السلام)!40

فاطمه (عليها السلام) ؛ طلايه دار شفاعت43

کتابنامه...46

مسابقه فرهنگي مهربانو...4

ص:6

زندگی کوتاه، ولی سراسر نور حضرت زهرا (علیها السلام) آکنده از جلوه های هدایتی و بصیرتی است؛ چراکه آن حضرت، بانویی است که به عنایت الهی، تمام مراحل رشد و کمال انسانیت را طی کرد و به مقام عصمت نائل آمد. این بانو که خود تا مرز شهادت برای دفاع از ولایت جان فشانی کرد، در خانه ای کوچک، ولی پر از عشق و صفا و معنویت، انسان هایی را تربیت کرد که در طول تاریخ برای بشریت نورافشانی کرده و می کنند؛ بنابراین، رفتار و منش سرور زنان عالم برای پیروان مکتب امامت درس های فراوانی دارد که هرکه فراخور نیاز و ظرفیتش می تواند از این اقیانوس بی کران بهره جوید و به کمال خویش دست یابد. این مجموعه کوتاه را هدیه می کنیم به محضر برترین بانوی آسمانی؛ باشد که مقبول پیشگاه الهی واقع شود و رضایت قلب نازنین ام ابیها، صدیقه کبری (علیها السلام) را فراهم آورد!

چهل روز بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به فرمان الهی از خدیجه کبری (علیها السلام) دوری کرده بود و هر دو به عبادت و ستایش حضرت حق مشغول بودند؛ چراکه لحظه تکوین زیباترین گل سرسبد هستی نزدیک بود. جبرئیل امین و میکائیل در شب آخر این چله عارفانه و عاشقانه، با طبقی از میوه های بهشتی فرود آمده بود تا زمینه انعقاد سلاله پاک رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را از عالم ملکوت فراهم آورد. آری، نور ملکوتی فاطمه (علیها السلام) به زمین انتقال یافت (1) و مونس مادر در لحظات سخت زندگی شد. بالاخره انتظارها به سر رسید و جمعه، بیستم جمادی الثانی، پیچیدن دردی آرام در جان خدیجه (علیها السلام)، تولد راز هستی را نوید داد. خدیجه (علیها السلام) سخت نگران و مضطرب شده بود: کسی از زنان مکه نبود که یاری اش کند؛ اما دیری نگذشت که چهار زن بهشتی به یاری اش شتافتند تا در به دنیا آمدن وجود سراسر نور انسیه حورا سهیم باشند. حضرت فاطمه (علیها السلام) تهلیل گویان چشم به جهان گشود. چه پربرکت است وجود کوثر نبوت، آینه تمام نمای جمال و نور الهی که اگر نبود، هستی در ظلمتی وصف ناشدنی فرو می رفت! (2)

ص: 8

1- نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 78 و 79.

2- نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 2 و 3.



روزها درگذر بودند و فاطمه (علیها السلام) مراحل رشد و تکامل خویش را فراتر از زمان می پیمود؛ اما کودکی اش در تنگنای شکنجه های طاقت فرسای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یارانش توسط مشرکین به سختی و با رنج می گذشت. در روزهای محاصره، به اتفاق پدر و مادر و خاندان بنی هاشم به دره ای پناه بردند و آنجا بود که فاطمه (علیها السلام) می دید علی (علیه السلام) با فداکاری و عشق بسیار به پیامبر (صلی الله علیه و آله) همچون شتربچه ای که در پی مادر رهسپار است، همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است (1).

تا بزرگواری و ارزش های عالی انسانی را بیاموزد. سال های تلخ محاصره، چیزهایی را از فاطمه (علیها السلام) گرفت و چیزهایی به او - بخشید: شادمانی زندگی را از او ربود و درخشش روح و چشمه جوشان محبت را به او بخشید. در این سال ها، فاطمه (علیها السلام) بزرگ می شد و بسان کوه، نیرومند و استوار. ناگاه دست روزگار زهرای مرضیه (علیها السلام) را در پنج سالگی دار فراق مادر کرد (2).

اما او صبورانه و بردبار، یگانه غمخوار و یاور پدر شد. فاطمه (علیها السلام) تهدید کافران را می شنید و می دید که چگونه ابوجهل و قریشیان، خاک و کثافات بر چهره بزرگ ترین پیام آور الهی می پاشند! این وقت ها چشمان او لبریز از اشک می شد و سر پدر را می شست و می گریست و پدر همدلی کرده و دختر یگانه اش را آرام می کرد. در این لحظات بود که چشمه محبت در دل پدر می جوشید و دختر نازنینش

ص: 10

1- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، خطبه 192 (خطبه قاصعه).

2- ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 1، ص 236.

هرگاه رنج های پیامبر (صلی الله علیه و آله) از کج فهمی اعراب جاهلی افزون می شد، به خانه برمی گشت تا با دیدن و بویدن زهرا (علیها السلام) روحش لبریز از عطر گل های بهشتی و قلبش مالا مال از نور جمال الهی شود. (2)

آیه ای در وصف شجاعت علی (علیه السلام)

چند روزی بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای تأسیس پایگاه اسلام مکه را به قصد مدینه ترک کرده و فاطمه (علیها السلام) منتظر خبری بود از پدر. پیغام خوشی رسید که مهاجران به سلامت رسیده اند و او نیز باید زیر لوای پُرافتخار علی (علیه السلام) رهسپار هجرت به مدینه شود. قافله از ترس تعقیب مشرکان و مزاحمت های آن ها شتابان در حرکت بود که ناگاه زمین از سم ضربه های اسب ها به خود لرزید. در این میان، شمشیر علی (علیه السلام) زیر تیغ آفتاب می درخشید و در آن لحظه های پُرهیجان، فاطمه (علیها السلام) دید که علی بن ابیطالب (علیه السلام) چگونه یگه و تنها با تمام توان و شجاعتی بی نظیر، همه مهاجران را به شکست و عقب نشینی وادار کرد.

مهاجران سرزمین نور تا شب در حرکت بودند و شب هنگام نفسی تازه می کردند. فاطمه (علیها السلام) به آسمان آراسته از ستاره ها می نگریست و روحش لبریز از یاد خدا می شد و تا صبح به راز و نیاز با خالق هستی

ص: 11

1- نک: علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج 1، ص 462.

2- نک: کمال سید، یک آسمان پروانه، ص 23 تا 28.

می گذراند. قافله صبحگاهان منزل به منزل حرکت می کرد و بعد تعقیب وگریزها سرانجام، به سلامت به مدینه وارد شد. به محض ورود فاطمه و علی (علیهما السلام) پیامبر (صلی الله علیه و آله) با خوش حالی به استقبالشان شتافت و علی (علیه السلام) را در آغوش گرفت و فرمود: علی جان، پیش پای شما جبرئیل بر من نازل شد و مرا از تمام احوال شما در این سفر باخبر کرد: از عبادت هایتان در طول راه، از تهجد هایتان در شب ها، از مناجات هایتان در بامدادان و از جنگ وگریز هایتان تا اینجا. جبرئیل از جانب خداوند رحمان، در شأن فداکاری ها و قلب سرشار از ایمانتان آیاتی جان بخش را برای استقبال از شما فرود آورد: ((الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ يُتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا...)) (1) و (2) (همان ها که خدا را در حال ایستادن و نشستن و آنگاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند و در اسرار آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند [و می گویند: «بارالها، این را بیهوده نیافریده ای...»].

ص: 12

1- آل عمران، 191 تا 195.

2- نک: سیدهاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 676 تا 678.

زمزمه پاک و پاک دامنی و بزرگواری و شکوهمندی یگانه دخت نبی اکرم (علیها السلام) که از روح زلال و چشمان سراسر نورش نشأت می گرفت؛ در شهر پیچیده بود. حالا همه اشرف و بزرگان مدینه چشم به خواستگاری او داشتند و کسی نمی دانست این مروارید شکوهمند هستی و انسیه حوراء از آن کیست؛ اما پیامبر (صلی الله علیه و آله) چشم انتظار پیک وحی بود و همه خواستگاران را باز می گرداند. در این میان، علی بن ابیطالب (علیه السلام) هم متمایل به خواستگاری بود؛ ولی شرم و حیا و تنگ دستی مانع اقدامش بود. ناگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) را فرا خواند و به او فرمود: «أُبَشِّرُ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ زَوَّجَكَ بِهَا فِي السَّمَاءِ...» (1) (یا علی، مرده! زیرا خداوند فاطمه (علیها السلام) را در آسمان ها به ازدواج تو درآورده است...).

مولای متقیان چون فرمان الهی را شنید، به سجده شکر افتاد و سپاس الهی را به جا آورد؛ سپس مجلس خواستگاری به طور رسمی تشکیل شد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) عرق ریزان در برابر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشست. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «آیا برای این امر چیزی داری؟» علی (علیه السلام) عرض کرد: «پدر و مادرم فدای شما یا رسول الله! من چیزی از شما پنهان نمی کنم. تمام دارایی ام یک شمشیر و یک زره و یک شتر است و جز این ها چیزی ندارم.» رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «شمشیر برای تو لازم است. تو مرد جنگ هستی و با آن در راه خدا جهاد می کنی. شتر نیز از

ص: 13

1- نک: محمدبن علی بن شهر آشوب سَروى مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 345؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 108 و 109.

لوازم زندگی است. زره را به عنوان مهر زهرا (علیها السلام) می پذیرم.»

این زره پانصد درهم ارزش داشت که به عنوان مهریه بانوی دو عالم در دنیا قرار داده شد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با فروش زره، مبلغی از آن را به خرید جهیزیه اختصاص داد که عبارت بود از: یک پیراهن زنانه، یک روسری بلند، یک قطیفه، تختی بافته شده از لیف خرما، دو تُشک، چهار بالشت، یک پرده خانگی، حصیری برای فرش، آسیابی دستی، مشکی از پوست، تشتی مسی، کاسه ای چوبی، ظرفی برای آبخوری، یک آفتابه، دو بازوبند نقره ای، سبویی سبزرنگ و چند کوزه سفالین. وقتی آن ها را به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) آوردند، چون چشمان نازنین حضرت به آن وسایل افتاد، فرمود: «خداوند [این ها را] برای اهل بیت مبارک فرماید!» (1)

ص: 14

1- نک: محمدبن حسن طوسی، الامالی، ص 40 و 41؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 94.



خانه داماد برای ورود زیباترین گل هستی آماده شده بود. خانه ای بود ساده و ارزان قیمت که علی (علیه السلام) کف اتاقش را با شن نرم پوشانده، پوست گوسفندی را به عنوان زیرانداز پهن کرده، یک پشتی روی آن گذاشته و تکه چوبی را بین دو دیوارش نصب کرده و به جای چوب لباسی، زینت بخش آن قرار داده بود. (1)

عروس هستی با شادی و مشایعت حوریان بهشتی که صف به صف برای عرض تبریک خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسیده بودند؛ تکبیرگویان به سوی منزل مولای متقیان بدرقه شد و با یاد خدا وارد خانه علی (علیه السلام) شد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دست مبارک فاطمه (علیها السلام) را گرفت و در دست علی (علیه السلام) گذاشت و فرمود: «ای علی، خدا دختر رسولش را برای تو مبارک فرماید! این فاطمه، امانت من است نزد تو. ای علی، فاطمه (علیها السلام) بهترین همسر برای توست و ای فاطمه، این علی برترین شوهر است که برای تو مقدر شده است...» (2)

حالا خانه علی (علیه السلام) روشن شده بود. شعله های نور وجود فاطمه (علیها السلام) خانه را نورافشانی می کرد: خانه ای کوچک، اما گرم و صمیمی که عطر بهشت در فضای آن پیچیده است.

ص: 16

1- محمدبن علی بن شهر آشوب س. روی مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 353؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 114.

2- سید محمد کاظم قزوینی، فاطمه الزهراء (علیها السلام) من المهد الی اللحد، ص 130 و 131؛ نک: محمدبن حسن طوسی، الامالی، ص 42.



سوال از علی (علیه السلام) در مورد همسرش!

شب شده و میهمان ها رفته بودند. عروس و داماد در خانه ساده خود نخستین لحظات زندگی مشترکشان را آغاز کرده بودند که ناگاه، صدای گریه آرام فاطمه (علیها السلام) داماد را به سوی او کشاند و مضطربانه پرسید: «چه شده است ای دختر رسول خدا؟! چه چیز ناراحت کرده است؟!» عروس وحی، در حالی که روبه قبله بر سجاده نشسته بود، با صدایی لرزان جواب داد: «امروز مرا از خانه پدرم به خانه تو آورده اند و روزی دیگر، از خانه تو به خانه قبر می برندم. حال خود را در پایان عمر و عالم قبر به یاد آوردم و مرا به گریه واداشت!» علی (علیه السلام) در فکر بود چگونه این اندوه عارفانه را پاسخ گوید که فاطمه (علیها السلام) او را از این ابهام نجات داد: «بیا در این آغازین لحظه های زندگی به نماز بایستیم و خدا را عبادت کنیم.»⁽¹⁾

لیخند علی (علیه السلام) در رضایت خدا و تبسم فرشتگان محو می شود.

صبح پس از عروسی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) با ظرفی از شیر به دیدار دخترش آمد. به اهل خانه سلام کرد و وارد شد و با مهربانی از علی (علیه السلام) پرسید: «همسرت را چگونه یافتی؟» داماد با جمله ای کوتاه، اما پرمحتوا پاسخ داد: «خوب یاوری است در طاعت خدا!» رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به دختر یگانه اش نگریست. تبسم زیبای او معنایی جز این نداشت که او نیز شوهرش را بهترین یاور در طاعت حق دیده است.

ص: 18



زهرا (علیها السلام) به زندگی تازه اش مشغول شده بود. علی (علیه السلام) می دانست که زهرا (علیها السلام) پاره تن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است؛⁽¹⁾

پس نه او را می آزارد و نه بر کاری که دوست نداشت، وادارش می کرد. زهرا (علیها السلام) نیز هرگز از فرمان همسر سرپیچی نمی کرد.⁽²⁾

سحرگاهان در چشمه سار نماز و نیایش با حق غوطه ور می شدند و در بامداد، زهرا (علیها السلام) شروع به آسیاب گندم می کرد و تنور را برای پخت نان مهیا می ساخت. علی (علیه السلام) نیز هراندازه که از دستش برمی آمد، در خانه از کمک به همسر گرامی اش دریغ نمی ورزید: هیزم و آب می آورد و خانه را آب و جارو می کرد و... آری، خوش ترین لحظه های علی و زهرا (علیهما السلام) زمانی بود که در کنار هم به سر می بردند.⁽³⁾

ص: 20

1- نک: محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص 104.

2- نک: علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ص 363؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 516.

3- نک: محمدبن علی بن بابویه قمی، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 169؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 151.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) زودبه زود به خانه دخترش سر می زد. عشق پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فاطمه (علیها السلام) آسمانی بود، نه زمینی. این بار که بعد اذن ورود، وارد خانه شد و چشمش به رخسار فاطمه (علیها السلام) افتاد که به استقبالش آمده بود، او را در حالی دید که رنگش پریده و زیر چشمانش به کبودی نشسته بود! دست دخترش را گرفت و با نگرانی پرسید: «دخترم، چه شده؟!»

فاطمه (علیها السلام) که حالا با دیدن پدر انگار درمان تمام دردهایش را یافته بود، با لبخندی زیبا پاسخ داد: «چشم هایم درد می کند پدر جان!» پیامبر (صلی الله علیه و آله) این بار پرسید: «آیا چیزی میل داری؟» فاطمه (علیها السلام) نخست سکوت می کند؛ اما بالاخره با اصرار پدر می گوید: «اشتها به انگور دارم؛ ولی می دانم که فعلاً فصلش نیست.» رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تبسمی کرد و فرمود: «خدا قادر است آن را به ما برساند. خداوند، انگور را با آن کسی که نزد تو بهترین امت من است، حاضر فرما!» طولی نکشید که صدای در بلند شد و علی (علیه السلام) در حالی که در گوشه ردای خود مقداری انگور پیچیده بود، وارد شد!

بر لبان مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله) لبخندی نقش بست و فرمود: «الله اکبر، الله اکبر! خدایا، همان طور که ما را با آمدن علی و مستجاب شدن دعا، شاد کردی، این [انگور] را وسیله شفاي دخترم قرار ده!» آنگاه فرمود: «دخترم، به نام خدا میل کن.» هنوز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیرون نرفته بود که آثار بهبودی و سلامتی در فاطمه (علیها السلام) ظاهر شد. [\(1\)](#)

ص: 21

1- نک: عبدالحمید بن هبه الله بن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج 20، ص 225؛ علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (سید بن طاووس)، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص 388 و 389.

خبر حرکت لشکر مکه به سمت مدینه و آتش جنگ احد، همه جا پیچید. زهرا (علیها السلام) با وجود علاقه و صف ناپذیرش به پدر و همسر، آن‌ها را برای رویارویی با دشمن تجهیز و بدرقه کرد. با اهمال کاری برخی از سپاهیان، صحنه پیکار به شکست سپاه اسلام منجر شد و مسلمانان با شایعه شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) پراکنده شده و جز اندکی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را تنها گذاشتند. (1)

فاطمه (علیها السلام) در این موقعیت سخت، به همراهی چند تن از زنان هاشمی، برای کسب اطلاع از حال پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سمت میدان نبرد شتافت. در آنجا، حضرت را غرق زخم‌های شمشیر یافت و او را در آغوش گرفت و گریست؛ سپس با کمک علی (علیه السلام) آب آورد و زخم‌های پدر را شست و شوداد و مرهم گذارد؛ اما هیچ مرهمی نتوانست خون زخم‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بند آورد. فاطمه (علیها السلام) قطعه حصیری را سوزاند و خاکسترش را بر زخم‌های پدر گذاشت تا آنکه خون بند آمد. سایر زنان نیز با اقتدا به ام‌اینها، به یاری رزمندگان مجروح شتافتند و به آن‌ها آب و غذا داده و زخم‌هایشان را مداوا کردند. (2)

آری، فاطمه (علیها السلام) علاوه بر برعهده گرفتن مسئولیت‌های خانه در غیاب همسر، در وقت نیاز، در اجتماع هم حاضر شده و در حمایت از کیان اسلام و پاسداری از جان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تا پای جان پیش می‌رفت!

ص: 22

1- نک: علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمّی، ج 1، ص 110 تا 114.

2- نک: محمدبن عمر واقدی، کتاب المغازی، ج 1، ص 249 و 250؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 20، ص 31.

خورشید گرم تر از گذشته بر نخلستان های مدینه می تابید. چند چاه آب با فاصله ای زیاد از نخلستان ها قرار داشت و دستی پر مهر، نخل های کوچک تر را که نمی توانستند این گرما را تاب بیاورند، سیراب می کرد. از صبح این هشتادمین سطل آب بود که علی (علیه السلام) از چاه کشیده بود تا ضمن آبیاری و رسیدگی به نخل ها، در برابر آن مزدی دریافت کند. غروب که کار به اتمام رسید، علی (علیه السلام) در حال برگشت به خانه بود که دید دونفر مشغول مشاخره اند. جلورفت و با حوصله به حرف های هردو گوش داد و با آرامش مشکیشان را حل کرد. آن ها تحت تأثیر سخنان علی (علیه السلام) یکدیگر را در آغوش گرفتند و صلح کردند و به راه خود ادامه دادند. علی (علیه السلام) نیز بیلش را به دوش گرفت و به طرف خانه حرکت کرد. در میانه راه، صدای گریه افرادی به گوش حضرت رسید. جنازه ای را می بردند و چند نفر در پی آن شیون می کردند. علی (علیه السلام) به عادت همیشه، در تشییع جنازه شرکت کرد. مردم برای نماز میت کنار قبر آماده شده بودند که طلبکاران آن میت مانع اقامه نماز شدند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که در میان جمعیت حضور داشت، ندا داد: «آیا کسی هست که طلب برادر دینی اش را قبول کند؟» علی (علیه السلام) جلو دوید و فرمود: «طلب این مرد را به عهده می گیرم و اجرت تمام آنچه امروز کار کرده ام را به طلبکاران می پردازم.» با این عمل جوانمردانه، جنازه دفن شد و مراسم به خوبی پایان یافت.

علی (علیه السلام) دوباره راهی شد. به خانه که رسید، در زد. فاطمه (علیها السلام) که با دیدن علی (علیه السلام) گویا دنیایی را به او داده بودند، با چهره ای

متبسم و گشاده به استقبال آمد و غبار لباس همسر را زدود. علی (علیه السلام) با وجود آنکه خسته بود، پس از دیدن زهرا (علیها السلام) چهره اش پر از خنده و شادی شد و روبه بانو فرمود: «احوال همسر عزیزم چگونه است؟ راستی فاطمه جان، تمام دستمزد امروزم را در ازای طلب یکی از مسلمانان انفاق کردم.» فاطمه (علیها السلام) با خوش رویی پاسخ داد: «علی، تو سرور و صاحب اختیاری! من در تمام بخشش هایت با تو سهیم هستم.» علی (علیه السلام) دوباره لبخند زد و به چهره آرام و متبسم فاطمه (علیها السلام) خیره ماند؛ گویا اصلاً خسته نبود! [\(1\)](#) علی (علیه السلام) در توصیف چنین روزهایی می فرمود: «لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَالْأَحْزَانُ.» [\(2\)](#) (هرگاه به چهره فاطمه (علیها السلام) نگاه می کردم، تمام غم و غصه هایم برطرف می شد.)

ص: 24

1- نک: اعظم رحمت آبادی، فاطمه و خانواده، ص 102.

2- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج 1، ص 363؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 516.



صبح که می شد، کودکان فاطمه بازی می کردند و می دویدند و در حین بازی، مکرر خود را در آغوش مادر می انداختند. فاطمه (علیها السلام) همان طور که به کارهای خانه می رسید، با کودکانش بازی و گفت و گو می کرد و غذا را که آماده می کرد، با دست خود به آن ها می خورانید. در فاصله رسیدگی به کارهای خانه هم هرگاه فرصت می کرد، قرآن می خواند. بچه ها با شنیدن صدای تلاوت مادر سر ذوق می آمدند و آرام کنارش می آمدند.

اما شب به ارتباط ویژه فاطمه (علیها السلام) با خدا اختصاص داشت. فرزندان را که با لالایی مادرانه اش می خوابانید، سجاده اش را پهن می کرد و به رازونیز با خدای خویش می پرداخت. نماز شبش ترک نمی شد. از سر شب که به نماز می ایستاد، تا طلوع فجر عبادت می کرد؛ آن چنان که اگر فرزندانش نیمه شب بیدار می شدند، می دانستند که مادر در محراب عبادت است و کنار سجاده اش می نشستند و با نگاه به مادر، دعا و عبادت شبانه را از او می آموختند. (1)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در وصف عبادت دختر یگانه اش فرموده است: دخترم فاطمه سرور زنان عالمیان، از اولین و آخرین است... هرگاه او در محراب عبادت ظاهر شود و در پیشگاه خدا قرار گیرد، نورش بر ملائکه آسمان ها می تابد؛ همان طور که نور ستارگان برای اهل زمین می درخشد. در آن حال، خداوند به ملائکه اش می فرماید: «ای ملائکه»

ص: 26

من، بنگرید به فاطمه، سرور کنیزانم که چگونه در برابر من به عبادت ایستاده است و چسان از ترس و خشیت من می لرزد؟!... من شما ملائکه را گواه می گیرم که پیروان واقعی او را در آتش نمی سوزانم! (1)

تصویر



ص: 27

آیه ای در وصف مهمان نوازی علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام)

تازه مسلمانان از نقاط دور و نزدیک، خودشان را به مدینه می رسانند؛ اما نه آذوقه ای برای خوردن داشتند و نه پول کافی برای رفع سایر نیازهایشان. خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی و فاطمه (علیهما السلام) در شهر به بخشش و انفاق مشهور بود و تنها خانه هایی بود که کسی از آن ناامید باز نمی گشت.

روزی عربی مستمند به محضر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) رسید و از درد گرسنگی به آن حضرت شکوه کرد. حضرت (صلی الله علیه و آله) نیز پیکی را به سراغ زنان خویش فرستاد و از آن ها درخواست طعام کرد؛ ولی همگی گفتند جز آب چیزی در خانه ندارند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مسلمانان درخواست کرد که آن مرد را میهمان خود کنند. در این میان، علی (علیه السلام) اظهار آمادگی کرد و به طرف خانه حرکت کرد و ماجرا را به فاطمه (علیها السلام) اطلاع داد. زهرای مرضیه (علیها السلام) گفت: «مَا عَدَدْنَا إِلَّا قُوْتُ الصَّبِيِّ لَكِنَّا نُؤْتِيهِ صَدَقَاتِنَا.» (جز به اندازه خوراک یک بچه، طعامی نداریم؛ ولی آن را به میهمان خود می دهیم.) فاطمه (علیها السلام) با توافق امیرالمؤمنین (علیه السلام) بچه ها را بدون آنکه غذا بخورند، خوابانید؛ سپس علی (علیه السلام) چراغ را خاموش کرد و خود به همراه میهمان سر سفره نشست و وانمود کرد که او نیز طعام می خورد تا میهمان متأثر نشود. این چنین میهمان سیر شد و خودشان گرسنه شب را صبح کردند. روز بعد که علی (علیه السلام) در مسجد حاضر شد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با دیدن آن حضرت گریه کرد و فرمود: «دیشب ملائکه الهی از میهمان نوازی شما تعجب کردند و پیک وحی در شأن فداکاری شما آیاتی نازل کرد:

((وَيُؤْتِرُونَ عَلِيَّ أَنْفُسَهُمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)) (1) و (2) (و آن ها را بر خود مقدم می دارند؛ هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند! کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند، رستگاران اند.)

بخشش خدا به بخشنندگان

روزی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در حالی که به شدت گرسنه بود، از فاطمه (علیها السلام) درخواست غذا کرد. فاطمه (علیها السلام) فرمود: «علی جان، در خانه طعامی نیست. من و بچه هایت دو روز است که گرسنه ایم. مختصر غذایی که داشتیم، به شما خوراندیم.» علی (علیه السلام) از شنیدن این سخنان سخت ناراحت شد و فرمود: «چرا به من خبر ندادی که چیزی تهیه کنم؟!» فاطمه (علیها السلام) پاسخ داد: «ای ابوالحسن، از خدای خود شرم کردم چیزی از تو بخواهم که انجام آن برایت دشوار باشد.» اشک در چشمان علی (علیه السلام) حلقه زد و برای تهیه طعام زن و فرزندانش به بازار رفت و دیناری قرض کرد تا مشکل گرسنگی خانواده اش را برطرف کند. در میانه راه، مقدار را دید که یکی از دوستانش بود و فهمید که او هم از تهیه طعام برای خانواده اش در مانده است. مانند همیشه ایثار کرد و یک دیناری را که داشت، به او داد. علی (علیه السلام) دست خالی شد و

ص: 29

1- حشر، 9.

2- نک: محمدبن حسن طوسی، الامالی، ص 185؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 41، ص 28.

نتوانست به خانه برود؛ بنابراین رو به مسجد کرد و مشغول عبادت شد.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) مأمور شد شب را در خانه علی (علیه السلام) به سربرد. حضرت (صلی الله علیه و آله) بعد از نماز مغرب و عشاء دست علی (علیه السلام) را گرفت و فرمود: علی جان، امشب مرا به میهمانی خود می پذیری. مولای متقیان چون می دانست در خانه چیزی برای پذیرایی ندارند، سکوت کرد؛ ولی پیامبر (صلی الله علیه و آله) دوباره اظهار داشت: «چرا جواب نمی دهی؟ نمی خواهی میهمانت باشم؟!» علی (علیه السلام) عرض کرد: «ای رسول خدا، بفرمایید!» پیامبر (صلی الله علیه و آله) دست علی (علیه السلام) را گرفت و به اتفاق هم، به خانه رفتند. زهرا (علیها السلام) در حال نماز و نیایش با حق بود و پشت سرش قدحی از غذای گرم قرار داشت. بوی عطر غذا فضای اتاق را پر کرده بود. زهرا (علیها السلام) بعد نماز، صدای پدر را شنید و سلام کرد و خوشامد گفت؛ سپس سفره را برای پذیرایی باز کرد و ظرف پر از غذا را روبه روی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گذاشت.

علی (علیه السلام) با زبان بی زبانی از فاطمه (علیها السلام) می پرسید: «فاطمه جان، غذا از کجا؟! ما که غذایی نداشتیم!» پیش از آنکه فاطمه (علیها السلام) جواب دهد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دست بر دوش علی (علیه السلام) گذاشت و فرمود: «یا عَلِيُّ هَذَا بَدَلُ دِينَارِكَ وَ هَذَا جَزَاءُ دِينَارِكَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...» (ای علی، این [غذا] پاداش آن دیناری است که به مقدار دادی... .) سپس گریان شد و ادامه داد: «...، یا علی! خدا تو را نظیر حضرت زکریا (علیه السلام) و فاطمه را نظیر حضرت مریم (علیه السلام) قرار داد...» آری، خداوند درباره آن ها ماجرای زکریا و مریم را تکرار کرده و به این خانواده سعادت مند نیز مائده بهشتی مرحمت کرده بود. (1)

ص: 30

احترام به زن در روزگار زن ستیزی جامعه!

در یکی از روزها پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به خانه دخترش زهرا (علیها السلام) داخل شد و پس از سلام فرمود: «درود خدا بر شما!» آنگاه ادامه داد: «دخترم، در بدنم احساس ضعف و سرما می کنم. عبای یمنی را بیاور و مرا با آن بپوشان.» زهرا (علیها السلام) اطاعت امر کرد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) را که چون ماه تابان در شب چهارده می درخشید، پوشاند. اندکی بعد، امام حسن (علیه السلام) از راه رسید. رو به مادر کرد و فرمود: «سلام مادر. من رایحه خوشی احساس می کنم، همانند رایحه جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله)!» زهرا (علیها السلام) فرمود: «بله پسر، جدت زیر عبای یمنی خوابیده است.» امام حسن (علیه السلام) بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) درود فرستاد و گفت: «آیا به من اجازه می دهید داخل عبا شوم.» پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه فرمود. پس از ساعتی، امام حسین (علیه السلام) آمد و سلام کرد و فرمود: «مادر جان، من بوی جدم را استشمام می کنم!» فاطمه (علیها السلام) فرمود: «آری فرزندانم، جدت و برادرت در زیر عبا هستند.» حسین (علیه السلام) جلورفت و اجازه ورود خواست؛ پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای فرزندانم و شفیع امتم، تو نیز اجازه داری داخل شوی.»

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز به خانه آمد و فرمود: «سلام زهرا جان. من بوی خوش برادر و پسرعمویم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می شنوم!» زهرا (علیها السلام) فرمود: «آری، پیامبر و فرزندانمان حسنین زیر عبا هستند.» علی (علیه السلام) هم نزدیک رفته و سلام کردند و اذن ورود خواستند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای وصی من و جانشینم، تو نیز اجازه داری داخل شوی. در انتها، زهرا (علیها السلام) نیز از پدر کسب اجازه کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«دخترم و پاره تنم، تونیز داخل عبا شو.» در این هنگام، پیامبر (صلی الله علیه و آله) دوسر عبا را بالا برد و با دست راست به سوی آسمان اشاره کرد و فرمود: «خدایا، کسانی که زیر این عبا هستند، دخترم و فرزندانم و جانشینم هستند. این ها اهل بیت من و خواص من هستند...؛ پس صلوات و برکات و رحمت شفاعت خود را بر آنان ارزانی دار و از هرگونه پلیدی دورشان کرده و پاکشان کن. جبرئیل امین که به این جمع ملکوتی حسرت می خورد، به آنان ملحق شد و بشارت الهی را در استجابت دعای پیامبر با نزول آیه تطهیر در شان اهل بیت پیامبر به همگان اعلام فرمود: (1)

((إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً)) (2) خداوند می خواهد پلیدی و گناه را فقط از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

ص: 32

1- نک: عباس قمی، مفاتیح الجنان، مقدمه حدیث شریف کساء؛ نک: محمدبن حسن طوسی، الامالی، ص 368.

2- احزاب، 33.

منبری کوچک برای بزرگ مرد فردا

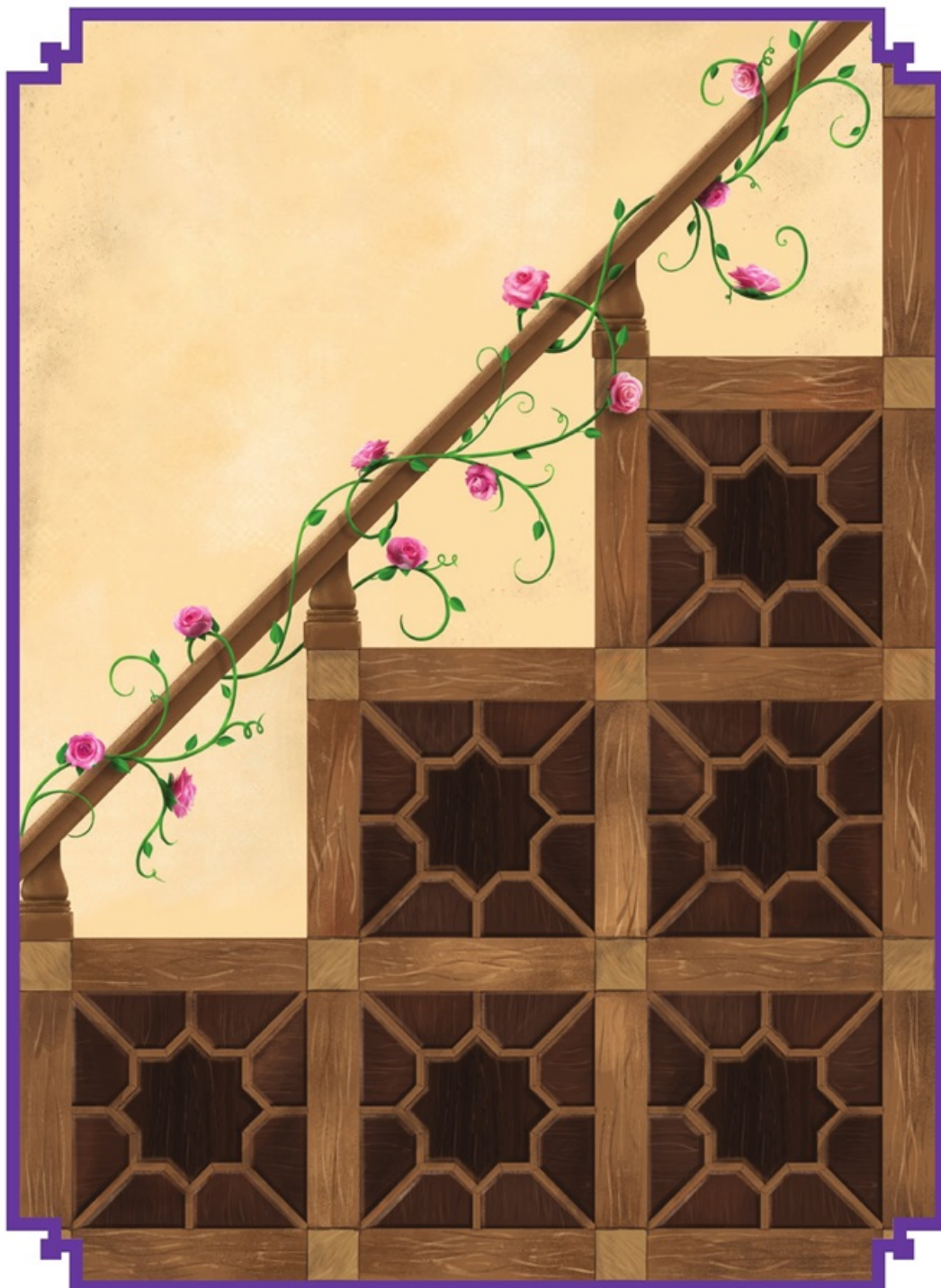
فرزند بزرگ زهرا (علیها السلام) که حالا هفت سال داشت، هر روز قبل از ظهر، لحظه شماری می کرد تا وقت نماز همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مسجد برود و پای منبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بنشیند. او با شور و شوق به سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) گوش می کرد و آن ها را به ذهن می سپرد و بعد از نماز و دعاستابان می دوید تا زودتر به خانه برسد؛ چون مادر منتظر بود و کنار اتاق متکایی را همانند منبری کوچک آماده کرده بود تا او بر فراز آن بنشیند و شنیده هایش را بازگو کند. همین که حسن (علیه السلام) به خانه می رسید و وارد می شد، زهرا (علیها السلام) او را در آغوش می گرفت و با خوش حالی به سخنان فرزندش گوش می داد.

حالا مدت ها بود که علی (علیه السلام) هرگاه وارد منزل می شد و با فاطمه (علیها السلام) سخن می گفت، درمی یافت که همسرش از تمام آیات نازل شده بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) اطلاع دارد؛ بنابراین با تعجب پرسید: «با اینکه شما در منزل هستی، چگونه از آنچه در مسجد بیان شده است، باخبری؟» زهرا (علیها السلام) با خنده حقیقت ماجرا را برای علی (علیه السلام) شرح داد که این فرزند دلبندهاں حسن است که روایتگر آیات قرآنی است.

پدر کنجکاو بود که نور دیده اش چگونه سخنرانی می کند. پس یکی از این روزها در گوشه ای از اتاق مخفی شد تا فرزندشان از راه برسد. حسن (علیه السلام) طبق معمول از مسجد آمد و روی متکا نشست تا صحبت کند؛ ولی لکنت زبان پیدا کرد. زهرا (علیها السلام) از این حال تعجب کرد! حسن (علیه السلام) به مادرش عرض کرد: «مادر! احساس می کنم فرد بزرگی حضور دارد که احترام حضور او مانع می شود من از آیاتی که تازه

به پیامبر نازل شده است و در مسجد شنیده ام، حرفی بزنم.» در این هنگام، پدر از پشت پرده بیرون آمد و فرزند مؤدبش را در آغوش فشرد و لبخند بر لبان مبارک هر دو نشست. (1)

تصویر



ص: 34

هدیه ای از طرف خدا!

جنگ خیبر با دلاوری های امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به پیروزی سپاه اسلام منجر شد. در همین روزها بود که پیک حق ندا داد: ((وَءَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ...)) (1) (و حق نزدیکان را پرداز و...). حضرت حق فدک را حق فاطمه (علیها السلام) دانسته بود و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) باید آن را به دخترش می سپرد. به این ترتیب، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فدک را به فاطمه (علیها السلام) بخشید. (2)

فدک سرزمینی بود حاصل خیز، با باغ ها و مزارع بی شمار که می توانست بیشتر نیاز مردم مدینه به گندم را تأمین کند. تمام درآمد فدک در اختیار دختر رسول خدا (علیها السلام) بود؛ اما این درآمد زیاد نتوانست صفا و سادگی زندگی آن بانو را دگرگون کند؛ چراکه فاطمه (علیها السلام) دل به دنیا نبسته بود و همه آن را برای رضای خدا، وقف فقرا و نیازمندان می کرد. او بی اعتنایی به دنیا و وارستگی را از پدری آموخته بود که در مقام تهذیب و تزکیه دخترش می فرمود: «يَا بُنَيَّةُ مَا أَبُوكَ بِفَقِيرٍ وَلَا بَعْلُكَ بِفَقِيرٍ وَلَقَدْ عُرِضَتْ عَلَيَّ خَزَائِنُ الْأَرْضِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ فَأَخْتَرْتُ مَا عِنْدَ اللَّهِ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ.» (3)

(دخترم، پدر و شوهر تو فقیر نیستند. خداوند گنجینه های طلا و نقره زمین را به من عرضه کرد؛ ولی من آنچه نزد پروردگارم باقی می ماند، برگزیدم.)

ص: 35

1- اسراء، 26.

2- نک: فضل بن حسن طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج 14، ص 125.

3- نک: علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج 1، ص 363؛ محمداقصر مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 133.

زهرا (علیها السلام) همچون پدرش، مربی اخلاق و معرفت بود. وجود او همچون وجود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سراسر نورانیت و چشمه سار عطوفت و حکمت بود. حالا خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) مرجع پاسخ گویی به سوالات دینی و معرفتی هم شده بود. روزی در مدینه، همسر یکی از پیروان اهل بیت خدمت حضرت زهرا (علیها السلام) شرفیاب شد و عرض کرد: «شوهرم می پرسد آیا در زمره شیعیان شما قرار دارد یا نه؟» حضرت (علیها السلام) در جواب او فرمود: «اگر به آنچه شما را امر می کنیم عمل می کند و از آنچه شما را بر حذر می داریم دوری می کند، از شیعیان ماست؛ وگرنه نیست.»

وقتی جواب زهرا (علیها السلام) به آن مرد رسید، بسیار هراسان و مضطرب شد و مرتب می گفت: «وای بر من!.. پس من برای همیشه در آتش جهنم خواهم بود!...» همسر آن مرد دوباره خدمت حضرت زهرا (علیها السلام) بازگشت و حال زار شوهرش را بازگو کرد. این بار از زبان پاک زهرای مرضیه (علیها السلام) کلامی لبریز از عطوفت و حکمت صادر شد که تا قیام قیامت برای همه محبان اهل بیت مایه امید و سرور است:

لَيْسَ هَكَذَا إِنَّ شَيْعَتَنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَكُلُّ مُجِيبِنَا وَ... [از جانب من به همسرت بگو] چنین نیست که او گمان کرده است. شیعیان ما از بهترین های اهل بهشت اند و نیز همه دوستان ما و دوستان دوستان ما و دشمنان دشمنان ما، جملگی در بهشت خواهند بود. کسانی که با قلب و زبان تسلیم ما اهل بیت شده باشند، چنانچه از فرمان های

ما سرپیچی کنند و از نواهی و دیگر مهلکات پرهیز نکنند، هرچند از شیعیان [حقیقی و کامل] ما نیستند، عاقبت از بهشتیان خواهند بود؛ اما بعد از آنکه از گناهانشان پاک و مطهر شوند: یا با بلاها و گرفتاری های دنیایی، یا با انواع سختی ها و مشکلات روز قیامت و یا پس از چشیدن عذاب در طبقه سطحی جهنم؛ ولی عاقبت، به خاطر محبت و دوستی شان با ما، نجاتشان می دهیم و ایشان را به پیشگاه خودمان منتقل خواهیم کرد. (1)

ص: 37

1- سیدهاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج4، ص602.

آن روز مدافع حرم، زهرا (علیها السلام) بود

هنوز چند ماهی از حجه الوداع و بیعت با وصی مصطفی (علیهما السلام) نگذشته بود که ابر سیاه پیمان شکنی جامعه اسلامی را در بر گرفت و هنوز چند ساعتی از عروج ملکوتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نگذشته بود که امت او، تیغ حق گُشی از نیام کینه و نفاق برکشیدند و بر قلب یگانه وصی او نشاندند! اما در این میان، این شیداترین پروانه شمع امامت، فاطمه (علیها السلام)، بود که لحظه ای از یاری ولی امر خویش دست نکشید. او چون پروانه ای عاشق، با سوختن و فداسازی خویش، به همگان آموخت که امام برحق، چونان کعبه است: کعبه ای که مردم باید بر گردش طواف کنند، نه او بر گرد مردم! (1) فاطمه (علیها السلام) در راه دفاع از ولایت، جان خویش را به خطر انداخت و پهلویش شکست و با فریادهای جگرسوزش، زیباترین شعار ولایت مداری را در گوش جهانیان طنین انداز کرد: «ای ولی امر من، روحم به فدای تو و جانم سپر بلائی تو! همواره همراهت خواهم بود، چه در خیر و نیکی به سربری و چه در سختی و بلا گرفتار آیی!» (2) و (3)

ص: 38

1- نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 36، ص 353 و 358.

2- کفاح حداد، قراءه فی السیره الفاطمیه، ص 637.

3- نک: محمدتقی مصباح یزدی، جامی از زلال کوثر، ص 145 و 146.



فاطمه (علیها السلام)؛ تمام سپاه علی (علیه السلام)!

زهرای مرضیه (علیها السلام) با وجود کسالت و بیماری، پای از حمایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نکشید و این بار، برای اتمام حجت بر مسلمانان، با حجاب کامل و همراه جمعی از زنان، راهی مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) شد. بعد از آنکه میان فاطمه (علیها السلام) و مردان حاضر در مسجد پرده ای نصب شد، حضرت همانند پدر بزرگوارش، بعد از حمد و ثنای الهی، خطبه ای آتشین ایراد فرمود؛ چنان که دل ها را سوزاند و عواطف خفته مردم را بیدار کرد و مردم حاضر در مسجد، همگی با صدای بلند به گریه افتادند.

صدیقۀ طاهره (علیها السلام) در قسمتی از این خطابه ماندگار فرمود:

من آنچه شرط بلاغ است، با شما گفتم؛ اما می دانم که خوارید و در چنگال زبونی گرفتار! یاری نکردن وجودتان را فرا گرفته و ابر بی وفایی بر قلوبتان سایه گسترده است. چه کنم که دلم خون است و بازداشتن زبان از شکایت، از طاقت بیرون! می گویم برای اتمام حجت مردمان... آنچه می کنید، خدا می بیند و ستمکار به زودی می داند که در کجا می نشیند! (1)

فاطمه (علیها السلام) در جایی دیگر، میان زنان مدینه که برای عیادتش آمده بودند، فرمود:

أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَا كُنَّ قَالِيَةً لِرِجَالِكُنَّ...

من صبح کردم؛ درحالی که در برابر دنیای شما و مردانتان

ص: 40

1- نک: احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 104.

خشمگینیم!... وای بر آنان! چگونه خلافت را از کوه های محکم رسالت و پایه های محکم نبوت و رهبری و جایگاه امن نزول وحی و جبرئیل امین و آگاهان در امر دنیا و دین کنار زدند؟! می دانید چرا این گونه به ابوالحسن پشت کردند؟ به خدا که این مجازات، فقط به خاطر ترس از شمشیر او، بی باکی اش از خطر و کشته شدن، مسامحه نکردنش با آن ها، شدت جنگ و شجاعتش در کارزار و آمادگی و قاطعیت او در اجرای فرامین الهی بود!... در صورتی که زمام شتر حکومت به دست علی (علیه السلام) می افتاد، اگر مردم از راه حق منحرف می شدند و راه کج در پیش می گرفتند، آن ها را آرام و هموار به راه حق برمی گرداند؛ طوری که نه راکب خسته شود و نه مرکب ناتوان... و مردم او را در نهان و آشکار، خیرخواه خود می یافتند!⁽¹⁾

زنان مدینه شوهرانشان را از سخنان زهرا (علیها السلام) باخبر کردند و پس از آن، مردان برای عذرخواهی می آمدند؛ ولی دیگر فایده ای نداشت و عذرشان پذیرفته نبود.

به راستی اگر زهرا (علیها السلام) و آن سخنان هدایتگرش نبود، شاید امروز ما نیز باور نمی کردیم که حق با علی بوده است؛ چراکه نفاق ها، کینه ها، سیاست بازی ها، تطمیع ها، تعریف ها و... چنان دست به دست هم داده و امامت را به انزوا کشانده بود که حتی اجازه نمی داد،

ص: 41

1- احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 108 و 109.

فریاد حق گوییِ علی (علیه السلام) به احدی از آیندگان برسد. در حقیقت، روشنگری های زهرا (علیها السلام) در امت اسلامی، چنان در اوج بی مثالی است که پژواک روح بخش آن تا قیام قیامت در گوش جهانیان طنین انداز خواهد ماند.

تصویر



در هنگامهٔ پُرغوغای صحرای محشر که همگی در اضطراب و هراس به سر می‌برند، ناگاه ندایی عرش الهی را به لرزه درمی‌آورد: «غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ...» (چشم‌هایتان را فرو افکنید تا فاطمه، دختر محمد (صلی الله علیه و آله) عبور کند.) در پی این ندا، هیچ کس باقی نمی‌ماند؛ مگر آنکه چشمانش را از روی احترام فرو می‌افکند. فاطمه (علیها السلام) با هدایت جبرئیل از صحنه محشر می‌گذرد و در این میان، زبان به تظلم خواهی می‌گشاید. ندایی از جانب خداوند جلّ جلاله فرا می‌رسد: «يَا حَبِيبَتِي وَابْنَةَ حَبِيبِي سَلِّينِي تُعْطَىٰ وَاشْفَعِي تُشَفَّعِي فَوْعَزَّتِي وَجَلَّالِي لَا- جَارَنِي ظُلْمٌ ظَالِمٍ.» (ای دختر حبیب من، بخواه که هرچه بخواهی، عطا می‌شود. شفاعت کن که هر که را شفاعت کنی، پذیرفته می‌شود. به عزت و جلالم سوگند که ستم ستمکار را مجازات می‌کنم!)

فاطمه (علیها السلام) عرضه می‌دارد: پروردگار و سرور من، فرزندانم و پیروانم و پیروان فرزندانم و دوستدارانم و دوستداران فرزندانم [را دریاب]!

در پی درخواست فاطمه (علیها السلام) از جانب خداوند رحمان خطاب می‌رسد: «کجایید فرزندان فاطمه و پیروانش؟ کجایید دوستداران فاطمه و دوستداران فرزندان او؟» پس بلافاصله فرشتگان رحمت آن‌ها را در برمی‌گیرند. فاطمه (علیها السلام) پیشاپیش ایشان به سوی بهشت حرکت می‌کند و ایشان از پی آن بانو وارد بهشت برین می‌شوند.»⁽¹⁾

چه رازی است که در میان این همه شفاعت‌کنندگان عرصه

ص: 43

1- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص 17 و 18.

محشر، زهرا (علیها السلام) طلایه دار شفاعت بی منتهای حق شده است و در این هنگامه هولناک، نام فاطمه (علیها السلام) همچون خورشیدی درخشان جلوه گری می کند؟! می توان گفت: حضرت زهرا (علیها السلام) به خاطر لطافت روحی خاص، مظهر تام رحمت الهی است و ریشه دارترین محبت ها و رحمت ها و مغفرت های خداوند در وجود این عزیز تجلی و ظهور کرده است و از همین روست که آخرین و گسترده ترین شفاعت ها که خود، تجلی رحمت بیکرانۀ الهی است، به دست مهربان صدیقۀ کبری (علیها السلام) صورت می پذیرد. (1)

معدن دُر ولایت، منبع فیض خدا

در شفاعت عالمی چشم انتظار فاطمه

چون به محشر بر شفاعت لب گشاید لطف دوست

بخشد از رحمت، گناه دوستدار فاطمه

به امید آنکه ما هم از زمرة شفاعت شدگان فاطمی باشیم!

التماس دعا

ص: 44

1- نک: محمدتقی مصباح یزدی، جامی از زلال کوثر، ص 33.



1. قرآن کریم.
2. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، به تحقیق و تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، ج20، چ1، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404ق.
3. ابن شهر آشوب، محمد بن علی بن شهر آشوب سرّوی مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج3، چ1، قم: علامه، 1379ق.
4. ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، به تحقیق و تصحیح مؤسسه صاحب الامر، چ1، قم: مؤسسه صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، 1416ق.
5. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، به تحقیق و تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، ج1، چ1، تبریز: بنی هاشمی، 1381ق.
6. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج2 و4، چ1، قم: مؤسسه البعثه، 1374ش.
7. حداد، کفاح، قراءه فی السیره الفاطمیه، چ1، کربلا: مکتبه العتبه الحسینیه المقدسه، 1436ق.
8. حمویی جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، به تحقیق محمدباقر محمودی، ج2، چ1، بیروت: مؤسسه المحمودی للطباعه و النشر، 1400ق.
9. دشتی، محمد، نهج الحیاه، چ؟؟، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، 1373.

10. رحمت آبادی، اعظم، فاطمه و خانواده، چ 1، مشهد: نشر نامه نرجس، 1396.
11. صدوق (شیخ صدوق)، محمدبن علی بن بابویه قمی، امالی الصدوق، چ 6، تهران: کتابچی، 1376 ش.
12. صدوق (شیخ صدوق)، محمدبن علی بن بابویه قمی، کتاب من لا یحضره الفقیه، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج 3، چ 2، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1413 ق.
13. طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، به تحقیق و تصحیح محمدباقر خراسان، ج 1، چ 1، مشهد: مرتضی، 1403 ق. 14. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، چ 4، قم: الشریف الرضی، 1412 ق.
15. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه احمد بهشتی، ج 14، چ 1، تهران: فراهانی، 1352.
16. طوسی، محمدبن حسن، الامالی، به تحقیق و تصحیح مؤسسه البعثه، قم: دار الثقافه، چ 1، 1414 ق.
17. علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، به کوشش محمدبن حسین شریف الرضی، به تحقیق و تصحیح صبحی صالح، چ 1، قم: هجرت، 1414 ق.
18. قزوینی، سیدمحمدکاظم، فاطمه الزهراء (علیها السلام) من المهد الی اللحد، چ 1، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1411 ق.
19. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج 1، ص 245.

20. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه حمیدرضا شیخی، به تحقیق و تصحیح بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چ 11، مشهد: به نشر، 1395 ش.
21. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمّی، به تحقیق و تصحیح طیب موسوی جزائری، ج 1، چ 3، قم: دار الکتب، 1404 ق.
22. کمال سید، یک آسمان پروانه، ترجمه حسین سیدی، چ 1، قم: مؤسسه فرهنگی نقش، 1379.
23. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 16 و 20 و 36 و 41 و 43، چ 2، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1403 ق.
24. مجلسی، محمدباقر، سفینه البحار، ج 1،
25. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه در ترجمه بانوان دانشمند شیعه، ج 1، چ 1، تهران: دار الکتب الاسلامیه، بی تا.
26. مصباح یزدی، محمدتقی، جامی از زلال کوثر، به تحقیق محمدباقر حیدری، چ 15، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1392.
27. واقدی، محمدبن عمر، کتاب المغازی، به تحقیق مارزدن جونز، ج 1، چ 3، بیروت: اعلمی، 1409 ق.

* پرسش ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می توانند در مسابقه شرکت کنند.

* به روش های زیر می توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

1. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه های صحیح پرسش ها به صورت یک عدد پنج رقمی از چپ به راست را، همراه با نام و نام خانوادگی خود به سامانه پیامکی 3000802222 ارسال کنید.

مثال: ماه نیلی 12342 زهراسادات موسوی

2. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی: به نشانی:

www.haram.razavi.ir

* قرعه کشی از بین پاسخ های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: 051- 32002569

ص: 49

پرسش اول: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هرگاه که از کج فهمی اعراب جاهلی رنج می برد، چه می کرد؟

1. برای آن ها طلب غفران می کرد

2. با دیدن و بوییدن حضرت زهرا (علیها السلام) آرام می گرفت

3. شکایت آن ها را به خداوند می کرد

4. آن ها را تنبیه می کرد

پرسش دوم: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از میان دارایی های امیرالمؤمنین (علیه السلام) کدام را مهریه حضرت زهرا (علیها السلام) قرار داد؟

1. شمشیر

2. زره

3. شتر

4. اسب

پرسش سوم: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در پاسخ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حضرت زهرا (علیها السلام) را با چه تعبیری توصیف فرمود؟

1. خوب همسری است در خانه داری

2. خوب یآوری است در طاعت خدا

3. خوب مادری است برای فرزندانم

4. خوب یآوری است در سختی ها

پرسش چهارم: طبق آیه 26 سوره مبارکه اسراء، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دستور الهی چه اقدامی را انجام دادند؟

1. وقف فدک برای رسیدگی به امور نیازمندان

2. اهدای فدک به حضرت زهرا (علیها السلام)

3. اهدای فدک به اقوام و خویشان

4. اهدای فدک به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) پرسش پنجم: بنا به فرموده حضرت زهرا (علیه السلام) در چه صورت جزو شیعیان این بزرگوار خواهیم بود؟

1. عمل به آنچه امر کرده اند

2. دوری از آنچه که بر حذر داشته اند

3. اهتمام بر انجام مستحبات

4. گزینه 1 و 2

ص: 51

پورتال فرهنگی تبلیغی حرم مطهر امام رضا (علیه السلام)

- صفحه اصلی پایگاه مجازی حرم مطهر رضوی: haram.razavi.ir

- پخش زنده مراسم و اماکن حرم مطهر رضوی: tv.razavi.ir

- دسترسی به آرشیو محصولات فرهنگی حرم مطهر رضوی: archive.razavi.ir

کانال ها و صفحات شبکه های اجتماعی

وقت سلام؛

حال و هوای حرم؛

ثبت درخواست زیارت نیابتی؛

اعلام برنامه های حرم مطهر رضوی؛

ارائه مطالب ویژه دختران و پسران 12 تا 18 سال؛

نشر معارف رضوی به زبان های عربی، انگلیسی، اردو، فرانسه و...؛

انتشار تولیدات فرهنگی حرم مطهر رضوی اعم از فیلم و صوت مراسم حرم مطهر رضوی.

می توانید به این شبکه ها از مسیرهای زیر دسترسی داشته باشید:

- شبکه های فارسی: tvapp.razavi.ir/razavi_aqr_ir

- شبکه های اجتماعی بین الملل: tvapp.razavi.ir/razavi_int

- ربات چندزبانۀ حرم مطهر رضوی در شبکه های اجتماعی شامل

بخش های پاسخگویی به سؤالات دینی، زیارت نیابتی و ارتباط با حرم:

@haramrazavi_bot

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

